

مقاومت فلسطین قلب منطقه ما است

جبهه مقاومت منطقه‌ای در این میان، «حفظ مقاومت فلسطین» را به عنوان خط قرمز خود در نظر گرفته و اقدامات خود را با سطح اقدامات دشمن در خصوص این خط قرمز تنظیم می‌کند. این یک اصل کلی است که همه اضلاع و اعضای مقاومت به آن پای بند می‌باشند. قدرت مقاومت در عملی کردن این اصل اساسی هم آشکارتر از آن است که به توضیح نیازمند باشد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: جنگ بین رژیم غاصب صهیونیستی و مردم فلسطین، امروز به سی روز و به عبارتی به یک ماه رسید و در نوع خود و در مقایسه با جنگ‌های پیشین میان آنان، نسبتاً طولانی به حساب می‌آید. در عین حال افق پایان جنگ هم روشن نیست و شواهد و قرائنی برای پایان یافتن آن طی یکی - دو هفته آینده وجود ندارد. دلیل آن هم این است که رژیم صهیونیستی علی‌رغم بمباران‌های وسیع و کشتارهایی که از مردم گرفته، در صحنه مواجهه با مقاومت فلسطین دستاوردی نداشته است، از آن طرف هم ادامه شلیک‌ها و حملات نشان می‌دهد مقاومت فلسطین از نظر توانایی انسانی و جنگ‌افزار تضعیف نشده و جنگ آن با شدت ادامه دارد. جنگ یک نیروی کلاسیک با یک نیروی نامتقارن به دلیل تفاوت‌ها، پیچیدگی‌هایی با خود به همراه دارد که نمی‌توان طول و شدت آن را دقیق ارزیابی کرد. شاید این جنگ به طولانی‌ترین جنگ رژیم اسرائیل از ۱۳۲۷ - ۱۹۴۸ تاکنون تبدیل شود. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- جنگ کنونی در غزه عمدتاً در نیمه شمالی آن با نزدیک به یک میلیون و هفتصد هزار نفر جمعیت جریان دارد. در این میان رژیم صهیونیستی با یک فلش در میانه غزه یعنی ناحیه البریج که خالی از ساختمان‌های متراکم مسکونی و فاقد پوشش جنگلی و موانع دیگر می‌باشد، درصدد برآمد برای روحیه دادن به نیروهای شکست‌خورده ارتش و ایجاد ترس در میان نیروهای مقاومت، با بهره‌گیری وافر از نیروی زرهی، شکافی میان بخش شمالی و جنوبی غزه پدید آورد. لشکر زرهی غزه یک هفته درگیر ایجاد این شکاف شد و هنوز نتوانسته کار را به آخر برساند. رژیم غاصب در این میان در طول یک هفته اخیر، تلفات قابل توجهی داشته که قاعدتاً تعداد آنها از ۱۵۰ نفر فراتر رفته است و صد البته با بمباران‌ها و حرکت زرهی ضرباتی هم به مقاومت وارد کرده ولی از آنجا که حرکت زرهی به صورت اجتماعی و حرکت پارتیزانی به صورت فردی صورت می‌گیرد، حجم تلفات ارتش اسرائیل چند برابر حجم شهدای مقاومت می‌باشد.

در سه فلش شمالی واقع در محورهای زکیم و ایرز در شمال و بیت حانون در شمال شرق هم دشمن تلاش کرد فشاری را متوجه شهر غزه کند ولی با وجود گذشت نزدیک به ده روز بیش از دو کیلومتر در عمق شمالی پیشرفت نداشته است. در همه این نواحی که نیروهای زرهی لشکر غزه اسرائیل حضور داشته‌اند، تثبیت صورت نگرفته و نیروهای مقاومت به شدت با نظامیان اسرائیلی درگیر می‌باشند و بررسی‌ها می‌گوید طی یک هفته گذشته، ارتش رژیم روزانه، لااقل چهل نفر کشته و زخمی داده است. کما اینکه ارتش اسرائیل به دلیل مواجهه بودن با نیروهایی که در جایی جمع نیستند و از هر نقطه‌ای هم می‌توانند سربرآورند، در هیچ سطحی به مهار مقاومت دست نیافته است. بنابراین ارتش باید بین رها کردن این مناطق و انهدام تدریجی نیروها و تجهیزاتش یکی را انتخاب کند.

۲- روند جنگ پس از یک ماه از حالت التهاب اولیه خارج شده است. این موضوع به خصوص برای نیروهای مقاومت که جنبه دفاعی دارند، نمایان‌تر خواهد بود. یک ماه جنگ کافی است تا یک نیروی مقاومت، حتی اگر در گام اول ارزیابی دقیقی از حجم و سطح و کیفیت کنش و واکنش دشمن نداشته، به ارزیابی دقیق اطلاعات خود از هر آنچه لازم است از دشمن بداند، دست پیدا کند. این موضوع مقاومت را در وضع باثبات قرار می‌دهد و التهاب را از آن می‌گیرد. به همین جهت به‌وضوح می‌بینیم که جنگ هر چه جلوتر آمده، وضع مدیریت جنگ از سوی مقاومت مساعدتر شده است. از سوی دیگر شهروندان غزه نیز پس از یک ماه التهاب اینک دریافته‌اند چگونه می‌توانند بر شرایط محیطی غلبه کنند و وضعیت و نیازهای خود را بدون حمایت بیرونی مدیریت نمایند. بنابراین اگرچه این جنگ سختی‌های بسیار زیادی به همراه دارد و از همه جنگ‌هایی که آنان طی حدود دو دهه گذشته با رژیم غاصب داشته‌اند، سخت‌تر است اما حالا یک ماه از آن را پشت‌سر گذاشته‌اند و دیگر هر کسی کم و بیش می‌داند برای تأمین آب، غذا، مداوا چه کار باید و می‌تواند بکند؛ بنابراین محرومیت‌ها اگرچه وجود دارند و قاعدتاً افزایش هم پیدا کرده‌اند اما شهروندان هم دریافته‌اند این شرایط اضطراری را چگونه از سر بگذرانند. به همین جهت علی‌رغم آنکه غزه یک ماه زیر وحشیانه‌ترین بمباران‌ها بوده و هزاران خانه ویران شده اما بر همبستگی درونی مردم غزه اثر سوئی برجای نگذاشته و نیز شکافی میان آنان و رهبران و نیروهای مقاومت پدید نیامده است. نیروهای مقاومت کماکان در متن مردم غزه زندگی می‌کنند و در میان مردم به دشمن صهیونیستی حمله می‌نمایند.

۳- هم رژیم غاصب و هم مردم غزه به‌خوبی می‌دانند ارتش جنایتکار ناگزیر به ترک غزه خواهد شد کما اینکه در طول دو دهه گذشته بارها این اتفاق افتاده است. جمع‌بندی خود ارتش هم این نیست که بماند.

کما اینکه دو روز پیش یک رسانه اسرائیلی نوشت؛ بر اساس یک نظرسنجی از ساکنان شهرک‌های صهیونیستی، بیش از ۶۷ درصد با حضور ارتش اسرائیل در غزه مخالفت کرده‌اند و این در حالی است که ساکنان شهرک‌ها، افراطی‌ترین یهودی‌ها محسوب می‌شوند. با این وصف راهی جز ترک غزه پیش روی ارتش نیست. با ارزیابی روحیات هم می‌توانیم بگوییم دوام ارتش رژیم در غزه قاعدتاً بیش از دو ماه نخواهد بود. بعد از این حدود دو ماه چه می‌شود؟ ارتش خارج شده و مقاومت فلسطین با حفظ آثار ضربه‌ای که در ۱۵ مهر ماه / ۷ اکتبر به رژیم زده است، سر جای خود باقی می‌ماند. یعنی هم غزه می‌ماند و هم پیروزی عملیات طوفان الاقصی باقی می‌ماند.

علاوه بر اینها در جریان این جنگ، مقاومت به سطح واکنش رژیم و دولت‌های غربی حامی آن در مواجهه با عملیات ضربتی فلسطینی‌ها دست پیدا کرده و از آن برای طراحی عملیات بزرگ بعدی استفاده خواهد کرد. همین سه روز پیش نتانیاهو گفت اجازه نمی‌دهیم حماس برود و با عملیات بزرگ‌تر بعدی بازگردد. این درواقع عمق هراس ارتش اسرائیل از ابقای مقاومت در غزه می‌باشد.

۴- آنچه در این صحنه حرف اول را می‌زند موضوع «تاب‌آوری» یا به تعبیر لطیف قرآنی «استقامت» است. تاب‌آوری در این جنگ دارای یک جنبه میدانی است، یعنی به طاقت نظامیان اسرائیلی و نیروهای رزمنده مقاومت فلسطینی ربط دارد و دارای یک جنبه مدنی است یعنی به طاقت شهروندان فلسطینی ساکن غزه و شهروندان غاصب که در اردوگاه‌های جنوب و مرکز رژیم صهیونیستی کوچ کرده‌اند، ربط دارد. درواقع باید دید آیا یهودی‌های آواره ساکن شده در اردوگاه‌های اطراف تل‌آویو و اطراف منطقه جنوبی ایلات طاقت بیشتری در تحمل شرایط سخت امنیتی و اجتماعی دارند یا مسلمانان غزه که عمده آنها اینک در پناهگاه‌ها، اردوگاه‌ها و مناطق بیابانی سکنی گزیده‌اند؟ واقعیت این است که هر دو برای مدتی می‌توانند شرایط سخت را تحمل کنند اما در این میان از آنجا که طرف یهودی اگر تحمل نکند، به جایی به مراتب بهتر می‌رود، در حالی که اگر طرف فلسطینی تحمل نکند، به جایی به مراتب بدتر- اردوگاه‌های متراکم کشورهای مجاور- می‌رود، از این رو به‌طور طبیعی مقاومت طرف مسلمان بیشتر از مقاومت طرف یهودی خواهد بود. کما اینکه در طول یک ماه گذشته هیچ گزارشی مبنی بر وجود نارضایتی از عملکرد مقاومت در میان شهروندان غزه شاهد نبوده‌ایم و در فضاهای مجازی نیز از سوی فلسطینی‌ها انتقادی منتشر نشده است اما می‌دانید که فضای مجازی پر شده از تصاویر اجتماع و اعتراض خانواده‌های یهودی که به ادامه اسارت اعضای خانواده‌شان در غزه به‌شدت معترض بوده و علیه دولت اسرائیل به صحنه آمده‌اند.

۵- یک نکته مهم دیگر در این بین وضع طبیعی و یا غیرطبیعی طرفین در روابط خارجی است. وقتی این جنگ شروع شد، جبهه مقاومت از ایران تا لبنان و از عراق و سوریه تا یمن غرق در شادی شد و در مقابل، دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و... غرق در ماتم شدند. آنان که شاد شدند، به قدرت مقاومت اعتماد بیشتری پیدا کردند و آنان که به ماتم نشستند ضعف شدید رژیم اسرائیل را دیدند. از این رو جبهه مقاومت در یک وضع طبیعی و بدون سراسیمگی از متحد خود در فلسطین حمایت کرد و این حمایت در هر بخش از این جبهه یک رنگ و شکلی داشت و یکی از این اضلاع، حزب‌الله لبنان بود که وارد درگیری نظامی با رژیم شد و روند تصاعدی عملیات علیه رژیم غاصب را طی یک ماه حفظ کرد.

کما اینکه مقاومت عراق برای ضربه زدن به مهم‌ترین حامی رژیم و جنایات آن یعنی آمریکا وارد میدان شد و تاکنون روند اشتدادی حملات را حفظ کرده است و هکذا مقاومت یمن.

جبهه مقاومت منطقه‌ای در این میان، «حفظ مقاومت فلسطین» را به عنوان خط قرمز خود در نظر گرفته و اقدامات خود را با سطح اقدامات دشمن در خصوص این خط قرمز تنظیم می‌کند. این یک اصل کلی است که همه اضلاع و اعضای مقاومت به آن پای‌بند می‌باشند. قدرت مقاومت در عملی‌کردن این اصل اساسی هم آشکارتر از آن است که به توضیح نیازمند باشد.